یادداشت

علیه ساختار «بیچه‌پرور»

درباره مستندی که جشنواره حقیقت آن را ندید

سجاد پاوکت
روزنامه‌نگار

آخرین ساخته میکائیل دیانی بیشتر از مستندهای قبلی‌اش سینمایی است. در عین اینکه تحلیل دارد، روایت دارد و در عین تلاش برای رسیدن به عمق محتوا حفظ ریتم دارد و به فرم نگاه می‌کند. آنچه نیاز می‌رسیدن بود تن در عین گفتن خیلی از حرف‌ها و نشان دادن فاجعه گاهی با تصاویر ساده و قرار دادن دوربین حرکتیات، بازسازی وقایع یا مخاطب در ذهن خودش تکمیل کند. مستند بیچه یک بازخوانی صرف یک جنایت نیست؛ یک جمله ناقصی است که می‌توان بیچه را امروز تصور کنی، در ذهنت این ماجرا را با ابتدای نزدیک‌تر خودت به چنین مصیبتی بسط بدهی. بیچه در شهری تو نمی‌تونه شهر چون می‌دانی هنوز حاشیه‌ها مملو از بسترهایی برای جنایت هستند و بالاتر از آن هنوز آموزش برای بسیاری از پیشگیری‌ها از جنایت در ایران ما نیامده است. هنوز برای دستگیری پسرک متجاوز به دختران دانشجو، تولیتر میدان را، است و صداوسیما به‌مثابه بزرگ‌ترین رسانه کشور به جای پرداخت، سریوش می‌گذارد. کنش منفی صداوسیما در نگفتن اتفاقات اینچنینی، شده الگوی سکوت خانواده‌ها.

سه‌فوم باید بخشی از مشکلات را حل کنند؛ چه در فرآیند قانونگذاری، چه در اجرای مجریان و چه در بخش پسینی یعنی قوه قضائیه باید مسیر برای حل مشکلات کودک هموار شود، مثلا جایی مثل شهرداری باید مسیرهای امن‌تر، وسایل رفاهی، روشنایی بیشتر و کم کردن مناطق بی‌دفاع شهری را (اتخاذ هم‌دست با کودک در حاشیه از حداقل‌های امنیت شهری برخوردار شود.

مسئله‌ای در درجه‌ی دوم محتوا کودکان، امکان انجام‌فراغت است، یکی ازرنج‌های بزرگ کودکان ما اساسا در ایران عدم‌فراغت است. فرصت‌هایی برای آنکه کودک بتواند نشاط خود را بابروحوحی انتخاب‌در این خصوص داشته‌باشد؛ زمین‌های ورزشی و کتابخانه‌های محلی و... کمک می‌کنند کودک فراغت خود را داشته باشد. مستند بیچه‌هشان می‌دهد کودکان فراغتی ندارند، چون مکانی برای انجام فراغت ندارند؛ امکان تفریحی تبدیل‌شده‌ای که کودک تحت‌حمایت ناظران ماشد پلیس بتواند به‌راحتی نشاط خود را ببرد خود، وجود ندارد.

شما در ابتدای بحث موضوع خانواده‌امطرح کردید وابنکه اولین جایی که باید اصلاحی صورت بگیرد انجاست. خانواده چه کارهایی می‌تواند بکند؟

عموما کودکی مورد آسیب قرار می‌گیرد که فرآیند خوبی در آن رخ نمی‌دهد. اول خانواده که مهم‌ترین کانون است و در کانون بزرگ‌تری به نام مدرسه باید درون مقاوم و بالنده کودک شکل بگیرد.

نظری این حوزه است...

خب درست می‌گویید، این کار آکادمی است. دانشگاه با مقالات و سمینارهایش می‌تواند نقش‌آفرینی داشته‌باشد تا کودک مهم شود، همان طور که باقی تقسیمات اجتماعی مثل جول‌وپیرزن یا مردمهم هستند. اینکه کودک را به‌مثابه یک فرد جامعه درنظر بگیریم باید ازسوی رسانه تایید شود و دانشگاه‌ها برای مسائل مبتلابه او ادبیات نظری تولید کند، یعنی اگر فیلمی ساخته شود یا مقاله‌ای برای مسائل مبتلابه او ادبیات نظری تولید کند، دیگر حقوق او محدود نیست و از او به یک مسئله جدی بدل شود. این فرآیند کمک می‌کند در مجاری قانونی حمایت و حقوق کودک تصویب و تثبیت شود.

در این بین جایگاه حکومت چیست؟ بخش زیادی از این چیزهایی که گفتید اراده سیاسی و حقوقی نظام سیاسی را طلب می‌کند

سومین جایی که واقعیت وجود آسیب‌های اجتماعی کودکان باید در آن تایید شود، نظام سیاسی است. وقتی آن پایدرف بلند یک محیط امنی را تولید کند که درعین توجه به بهداشت روان کودک و... با تقویت نظام‌حقوقی کودک به متولی او کمک کند تا مکان‌ها و شاخت‌ها، پیگیری آسیب‌های کودکان شان را دنبال‌شده‌باشد. سالمه بیچه و بیچه‌ها که در این مستند هم به‌خوبی به‌تصویر کشیده شده و در، حاشیه شهرها رخ می‌دهد‌وبحران حاشیه‌نشینی است. کودکانی که درحاشیه‌هاستند‌وتنگی می‌کنند‌زندگی‌شان همراه با بی‌امنی و عدم حمایت قانونی و در آن وضعیت خدمات رایگان مشاوره‌ای و پیگیری حقوقی‌برای آنها‌بلدنیستند‌تحت از مراکزشهر باشد.

نظام‌سیاسی به‌معنای عام‌دولت‌یعنی کودکان حاشیه و آسیب‌هایی که برای آنها به‌وقوع می‌پیوندد، با بحث مستند «بیچه» بیش‌ازپیش جدی شده‌است. این مستند‌برای‌می‌مهری پهار‌جامعه‌شناس و عضو‌هیات‌علمی دانشگاه‌تهران به‌نام‌شگ گذاشته‌و‌بی‌از آن‌به‌گپ‌وگفت در‌مورد‌مشکلات‌وتسالل کودکان‌بپرداختیم. او‌کمیشتر‌پژوهش‌هایش‌درحوزه خانواده‌درزنان و کودکان است.«به‌مطالعات‌میدانی اجتماعی‌وزن‌بالاتری‌می‌دهد و‌معتقد است باید مسائل اجتماعی را از واقعیت‌های موجود در جامعه کسب کرد. از نگاه او اولین مسأله در‌ورد به آسیب‌های کودکان، به‌رسمیت شناختن واقعیت موجود آن است. در ذیل گفت‌وگوی «فرهیختگان» با وی را می‌خوانید.

شاید نکته اول و ورودی بحث ما این باشد که مسأله اصلی در موضوع آسیب‌های اجتماعی ناظر به کودکان چیست و چرا این آسیب‌ها جدی گرفته‌نمی‌شود؟

مسئله‌ای‌ماننده‌بحث‌که‌درمورد‌طرح‌مسائلی‌چون‌کودک‌آزاری‌اجلومی‌رود، یک‌پیام‌دارد‌و‌آن‌جدی گرفتن‌آسیب‌های‌اجتماعی است که‌اطراف‌کودکان شکل می‌گیرد‌و‌این‌مسأله‌ای‌جدی است که‌خیلوت‌علیه‌کودکان، یک‌بحث اجتماعی است‌و‌به‌عنوان‌واقعیت‌اجتماعی‌باید‌این‌گونه‌دیده‌شود‌که‌در‌اغلب نابه‌هنجاری‌ها‌و‌آسیب‌های‌اجتماعی‌که‌اطراف‌کودکان‌می‌بینیم‌که‌در‌اغلب‌موارد‌ما‌آن‌را‌پذیرفت. مدرکان‌و جامعه‌شناسان‌باید‌به‌عنوان‌اولین‌قدم‌وجود‌این‌واقعیت‌اجتماعی‌را‌بپذیرند؛ مسأله‌اول‌درمورد‌بحث‌کودکان‌وآسیب‌های‌اجتماعی‌پیرامونی‌آن‌نه‌خودمسأله، بلکه‌پذیرش‌واقعیت‌موجود‌آنها‌در‌جامعه‌است‌که‌ازسوی‌بسیاری‌این‌پذیرش وجود‌ندارد. مستند‌بیچه‌در‌اولین‌گام‌می‌تواند‌پذیرش‌یک‌واقعیت‌تلخی‌را نشان‌کودکان‌و‌درباره‌کودکان‌و‌اولین‌گام